

پژوهش تطبیقی مبانی فقهی - حقوقی مسئولیت مدنی وکیل

سیامک قیاسی سررکی *

سیدحسین مبارز **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

چکیده

حق برخورداری از وکیل در فرایند دادرسی از سوی بسیاری از نظام‌های حقوقی و فقه اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است. برپایه این حق، اشخاصی به‌عنوان وکیل، پرونده‌های حقوقی را تعقیب می‌نمایند و به دفاع از موکلشان می‌پردازند. گرچه این حق که به‌عنوان یکی از ابزارهای نهادینه‌سازی دادرسی عادلانه به شمار می‌رود، در صورت اجرای ضابطه‌مند و آگاهانه می‌تواند برای احقاق حق سودمند باشد، انباشتگی و پیچیدگی پرونده‌ها از یک سو و پدیداری تعارض منافع از سوی دیگر گاهی این حق را با مشکل مواجه می‌سازد؛ به این معنا که وکلا نسبت به انجام تکالیفشان قصور یا تقصیر می‌کنند که پیامد آن زیان موکل یا اشخاص دیگر است. حال پرسش این است که در این گونه موارد آیا می‌توان از لزوم جبران خسارت و مسئولیت مدنی وکلا سخن به میان آورد. در صورت پاسخ مثبت، با چه مبانی و اصولی می‌توان آن را توجیه نمود. پژوهش فرارو درصدد است با روش تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به پرسش پیش‌گفته پاسخ دهد. پژوهش در فقه اسلامی و حقوق بیانگر آن است که وکیل ملزم به رفتارمعارف و توأم با حسن‌نیت است، در غیر این صورت، اگر زیانی متوجه موکل یا دیگران نماید، مسئول خواهد بود. قواعد فقهی مانند لاضرر، احترام، دفع ضرر محتمل، تسبیب، اتلاف، تحذیر و غیره، و انگاره‌های مانند تقصیر، خطر، تضمین حق، استناد عرفی توجیه‌کننده این مسئولیت می‌باشند.

کلیدواژگان:

وکیل، مسئولیت مدنی، حقوق، انگاره، استناد عرفی

* استادیار، جامعه المصطفی العالمیه، قم

sajasi52@miu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، (جامعه المصطفی العالمیه) (نویسنده مسئول)

mobarez_abt@yahoo.com

مقدمه

حق دادخواهی از حقوق بنیادینی است که از سوی بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است. فقهای اسلامی و حقوق‌دانان مباحث قابل‌توجهی را در این زمینه مطرح نموده‌اند. حق دادخواهی زمانی سودمند خواهد بود که ابزارها و بسترهای مناسبی برای بهره‌مندی از آن در نظر گرفته شوند؛ براین پایه، نظام‌های حقوقی و فقهی حق برخورداری از وکیل در فرایند دادرسی را به این منظور مطرح نموده‌اند تا از رهگذر آن، احقاق حق و دادرسی عادلانه که از اهداف نظام‌های دادرسی است، محقق شود. باید توجه داشت که به‌کارگیری وکیل به تنهایی نمی‌تواند هدف مزبور را دست‌یافتنی نماید؛ چه ممکن است وکلا به وظایف و تکالیف برخاسته از قرارداد یا مقررات قانونی پایبند نباشند و در نتیجه آن زیان‌هایی را متوجه طرفین دعوا نماید. این مشکل، پرسش از لزوم وجود ضمانت اجراهای مدنی و مادی را موجه می‌سازد. به این معنا که اگر از رهگذر رفتار نامتعارف وکیل به موکل یا دیگری زیانی وارد آید، مسئولیت دارد یا خیر. یکی از پرسش‌های دیگر این است که آیا اشخاصی که دارای پروانه وکالت می‌باشند، می‌توانند بدون توجه به پیچیدگی‌های پرونده، پیگیری آن را عهده‌دار شوند یا اینکه باید پیش از انعقاد قرارداد وکالت نسبت به توانمندی خود، اطمینان حاصل نمایند و در صورت بی‌توجهی به این تکلیف چه ضمانت اجرایی متوجه او خواهد بود. از دیگر سو، گاهی میان موکل و وکیل ممکن است تعارض منافی به وجود آید؛ حال پرسش این است که در این گونه موارد آیا شخص مزبور می‌تواند وکالت را عهده‌دار شود یا اینکه باید از انعقاد قرارداد خودداری نماید. از سوی سوم، اصل حسن‌نیت و اصول حاکم بر فرایند دادرسی مقتضی آن است که وکیل اولاً صادقانه در راستای احقاق حق موکل گام بردارد و در ثانی اسرار و امور سری را به صورت محرمانه حفظ نماید. حال پرسش آن است که اگر وکیل، قصور یا تقصیر نماید، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود یا اینکه تنها در چارچوب مسئولیت قراردادی مورد بازخواست قرار می‌گیرد. در صورت پدیداری زیان‌های خارج قراردادی، با تمسک به چه مبانی و ضوابطی می‌توان سخن از مسئولیت مدنی وکیل به میان آورد. در نوشتار پیش‌رو تلاش می‌شود که به پرسش‌های مزبور پاسخ داده شود. از این‌رو نگاشته‌ی فرارو ابتدا مبانی فقهی مسئولیت مدنی وکیل را مطرح می‌کند، سپس مبانی حقوقی آن را به بحث خواهد گرفت.

۱. مبانی فقهی مسئولیت مدنی وکیل

مسئولیت مدنی وکیل را می‌توان از دو بُعد به بحث گرفت: بعد اول بررسی آن از منظر فقه اسلامی است؛ به این معنا که با بررسی قواعد و اصول حاکم بر فقه اسلامی، مسئولیت مدنی وکیل امکان‌سنجی می‌شود. از این‌رو در این بخش تلاش خواهد شد تا با تمسک به قواعد فقهی مسئولیت مدنی وکیل توجیه گردد.

۱.۱. قاعده احترام

بر اساس آموزه‌های اسلام، جان، عرض (آبرو و ناموس)، مال و عمل مسلمان محترم، و از هرگونه تعرض در امان است. گفتنی است که احترام دارای دو بعد ایجابی و سلبی است که جنبه‌ی ایجابی آن به معنای حرمت نگاه‌داشتن، ارج‌نهادن و حفظ‌کردن است و گستره‌ی سلبی احترام به معنای تعدی نکردن و خودداری از تعرض و تجاوز غیرمجاز است؛^۱ به عبارت دیگر، معنای احترام مال مردم، مصونیت مال آنها از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً، تعدی و تجاوز نسبت به آنها جایز نیست و در ثانی، اگر کسی نسبت به آنها تجاوزی انجام دهد، مسئول خواهد بود. در بسیاری از ابواب فقه، لزوم احترام به جان، مال و آبروی مؤمن به عنوان یک اصل کلی مورد شناسایی قرار گرفته است. تأکید بر این قاعده به گونه‌ای است که اندیشه‌وران فقه اسلامی در این زمینه اظهار می‌دارند: «الاصْلُ احْتِرَامُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَدَمِهِ وَ عِرْضِهِ».^۲

بنابراین اگر کسی بدون توجه به ضوابط رفتار متعارف و عقلایی خسارتی به جان، مال یا آبروی دیگری وارد نماید، باید خسارت مزبور را جبران نماید. پرواضح است که قاعده‌ی احترام به صورت کلی از سلامت مالی و جانی مردم پاسداری می‌نماید؛ بنابراین اگر وکیل بدون توجه به اصول رفتار متعارف و ضوابط حاکم بر فرایند دادرسی اقدام نماید و از این رهگذر خسارتی متوجه موکل شود، مسئول جبران خسارت خواهد بود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، می‌توان با تمسک به این قاعده، مسئولیت مدنی وکیل را اثبات نمود.

۱. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، مصحح: مؤسسه المنار، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۲۴۷.
 ۲. نجفی، حسن، *جواهرالکلام فی شرائع الإسلام*، جلد ۲۳، بیروت - لبنان: دارالإحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م، ص ۳۲۳.

۱.۲. قاعده دفع ضرر

یکی از قواعدی که مباحث مفصلی را در منابع فقهی به خود اختصاص داده است، قاعده دفع ضرر محتمل است که از آن برخی به « لزوم / وجود دفع ضرر محتمل^۱ نیز یاد کرده‌اند. این قاعده که دارای پشتوانه دینی و عقلی است، بدان معنا می‌باشد که هرکسی ملزم به دفع ضرری است که ممکن است به جان، مال و غیره او وارد گردد. پرواضح است که گستره قاعده دفع ضرر محدود به ضرر معنوی نیست؛ بلکه همه زیان‌های مربوط به امور دنیوی (مال، جان و غیره) را در برمی‌گیرد و حتی خسارت‌های مربوط به عالم آخرت را شامل است.^۲ بنابراین می‌توان گفت که یکی از قواعد پراهمیت در فقه اسلامی، قاعده لزوم دفع ضرر از نفس است؛ اهمیت دفع ضرر به گونه‌ای است که حتی برخی از فقهای اسلامی^۳ از جواز سوگند، ولو به دروغ، برای دفع ضرر از جان مؤمن سخن به میان آورده‌اند. درمورد موضوع پژوهش فرارو نیز می‌توان قاعده دفع زیان محتمل را یکی از مبانی مسئولیت به‌شمار آورد؛ به این معنا که اگر وکیل احتمال می‌دهد که در صورت اقدام خاص به دیگری ضرری وارد می‌شود، باید از آن پرهیز نماید یا اینکه طبق باورش انجام عملی باعث دفع ضرر محتمل می‌شود ولی انجام ندهد، طبق این دیدگاه مسئول خواهد بود.

از آنجایی که زیان‌ها ضرورتی ندارد قطعی باشند، بلکه قاعده مزبور درمورد کسی که احتمال می‌دهد در صورت ترک فعل خاص به دیگری ضرر وارد می‌شود، نیز قابل طرح خواهد بود؛^۴ برای نمونه اگر وکیل اقدام لازم را برای دفاع مستدل و مستند انجام ندهد و این تکلیف را ترک نماید و از رهگذر آن به موکل یا دیگری زیان وارد آید، وکیل مسئول خواهد بود. بنابراین از منظر فقه اسلامی یکی از مبانی مسئولیت مدنی وکیل، قاعده دفع ضرر محتمل است؛ به این معنا که اگر وکیل احتمال بدهد که در صورت ترک عمل خاص به موکل یا دیگران زیان وارد می‌شود، اما

۱. جمعی از نویسندگان، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام* (فارسی)، جلد ۱۹، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ ق، ص ۸۰.

۲. بحرانی، محمد سند، *أسس النظام السياسي عند الإمامیه*، قم: مکتبه فدک، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ ق، ص ۷۷.

۳. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن، *کفایه الأحکام*، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ ق، ص ۴۸۸.

۴ حکمت نیا، محمود، *مسئولیت مدنی در فقه امامیه؛ مبانی، ساختارها*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۳۴.

اقدامی ننماید، طبق قاعدهٔ مزبور مسئول جبران خسارت خواهد بود؛ زیرا ضرر محتمل را دفع نکرده است.

۱.۳. قاعدهٔ تحذیر

یکی از قواعد پراهمیت در گسترهٔ فقه اسلامی، عبارت از قاعدهٔ تحذیر است که بحث‌های فراوانی را در فقه اسلامی و حقوق به خود اختصاص داده است. این قاعده به‌گونه‌ای در گسترهٔ حقوق نیز تبلور یافته است و امروزه برخی، مسئولیت مدنی و میزان خسارات را برپایهٔ این قاعده تبیین و ارزیابی می‌کنند. قاعدهٔ تحذیر که مبتنی بر حدیث «قد اعذر من حذر^۱» می‌باشد، عبارت از آن است که اگر کسی که در حال انجام کاری است و دیگران را از خطری که ممکن است دامنگیر آنها شود و زیان‌ها جانی یا مالی به دنبال داشته باشد، مطلع نماید و با وجود این طرف مقابل خودش را در معرض خطر قرار دهد، هشداردهنده بانکیه به ضوابط و شرایطی مسئولیت نخواهد داشت.^۲

منطوق سخن مزبور سلب مسئولیت از هشدار دهنده است؛ اما مفهومش اثبات‌کنندهٔ مسئولیت خواهد بود؛ به این معنا که اگر کسی از خطری آگاهی دارد و می‌داند در صورت آگاه‌نکردن دیگران، آنها با ضرر و زیان‌هایی مواجه می‌شوند، باوجوداین هشدار ندهد، مسئول جبران خسارت خواهد بود. نسبت به موضوع مورد بحث نیز می‌توان گفت وکیلی که می‌داند در صورت رعایت‌نکردن تکالیف برخاسته از مقررات حاکم بر وکالت به دیگری زیان وارد می‌شود، با وجود این توجهی به الزامات و تکالیف مقرر نمی‌کند، مسئول خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر موکل متوجه شود که رفتاری باعث تبعات حقوقی برای موکل می‌شود، باید هشدار لازم را بدهد و در غیر این صورت مسئول خواهد بود. از سوی دیگر، در صورتی که وکیل هشدارهای لازم را مطرح کرده باشد؛ اما موکل بدون توجه به آنها اقدام نماید، مسئولیتی متوجه وکیل نخواهد بود؛ زیرا برپایهٔ قاعدهٔ اقدام، موکل خود مسئول است و مسئولیتی متوجه وکیل نخواهد بود؛ چه براساس قاعدهٔ اقدام، اگر کسی به زیان خود اقدامی نماید، نمی‌تواند برای جبران آن به دیگری مراجعه

۱. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تذکره الفقهاء*، جلد ۱۵، قم: مؤسسه آل‌البتت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۵۸.

۲. بجنوردی، سید محمدبن حسن موسوی، *قواعد فقهیه*، جلد ۱، تهران: مؤسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۱۶۸.

نماید.^۱ باید توجه داشت که برپایه قاعده تحذیر زمانی هشداردهنده دارای مسئولیت مدنی و کیفری نیست که اطلاع‌رسانی قبل از وقوع حادثه به صورت صریح و با وسایل مناسب انجام شده باشد و باوجود این، زیان‌دیده خود را در معرض قرار داده باشد؛^۲ اما اگر شرایط مزبور رعایت نشده باشد، می‌توان از مسئولیت زیان‌رسان سخن گفت.

۱.۴. قاعده لاضرر

یکی از پرآوازه‌ترین قواعد فقهی که در بسیاری موضوعات فقهی مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می‌شود، قاعده «لاضرر» است که مستند بسیاری از مسائل فقهی قرار گرفته است. اهمیت قاعده مزبور به گونه‌ای است که بسیاری از فقها در آثار خود، پژوهشی مستقل را به آن اختصاص داده‌اند. معنای این قاعده در عبارت مشهور «لاضرر و لا ضرار» که از پیامبر اسلام (ص) با عبارات گوناگون و به صورت متفاوت نقل شده، قابل اصطیاد است. قاعده لاضرر عبارت است از نفی هر گونه حکم ضرری است؛ یعنی هر نوع حکم که ضرر در آن نهفته باشد، در دین اسلام وجود ندارد؛ این قاعده بر تمامی احکام فقه اعم از عبادات، معاملات و غیره حاکم است.^۳ قاعده لاضرر که در فقه عامه نیز مورد بررسی قرار گرفته است،^۴ می‌تواند به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی به صورت عام و مسئولیت مدنی به صورت خاص وکیل مطرح شود.

دراعتبار سند روایت تردیدی وجود ندارد؛ به گونه‌ای که برخی از اندیشه‌وران فقهی اسلامی نسبت به آن ادعای تواتر کرده‌اند. شیخ انصاری در مقام واکاوی سند حدیث مزبور، دیدگاه کسی را که آن را معتبر و بدون اشکال می‌داند، بیان می‌نماید و با سکوت از کنارش می‌گذرد که این امر در واقع بیانگر موافقت ایشان با فقیه مزبور است.^۵ قاعده از آن نظر که در صورت اثبات می‌تواند، مسئولیت مدنی و لزوم جبران خسارت را توجیه نماید،^۶ با مسئولیت مدنی به صورت عام

۱. بهرامی احمدی، حمید، *قواعد فقه*، جلد ۱، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۱۶۵.

۳. انصاری، شیخ مرتضی، *رسائل فقهیه*، المؤتمر المئوی للشیخ الاعظم الانصاری، قم: چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۱۶.

۴. عبد الغفار، محمد حسن، *القواعد الفقهیه بین الأصالة والتوجیه*، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، ص ۱۲.

۵. انصاری، شیخ مرتضی، پیشین، ص ۲۱۲.

۶. حکمت نیا، محمود، پیشین، ص ۱۱۰.

و مسئولیت مدنی وکیل به صورت خاص دارای ارتباط است؛ زیرا اگر وکیل بدون توجه به اصول و رفتار متعارف ضرری را متوجه دیگری نماید، برپایه قاعده مزبور که ایراد زیان و خسارت را نفی می‌نماید، مسئول خواهد بود. براساس اسناد بین‌المللی، یکی از اصول حاکم بر وکالت، اصل محرمانه‌بودن ارتباط وکیل و موکل است.^۱ براین پایه، وکیل حق ندارد اطلاعات موکل را افشا نماید و اگر از رهگذر بی‌توجهی به این تکلیف، زبانی متوجه موکل شود، وکیل باید پاسخگو باشد.

۱.۵. قاعده تسبیب

تسبیب زمانی به وجود می‌آید که شخصی با واسطه باعث از بین رفتن مال دیگری شود؛ برای نمونه اگر کسی در زمین خود به صورت نامتعارف، بنایی را بنیان نهد که ملک هم‌جوار آن آسیب ببیند، ضامن است و باید خسارت زیان‌دیده را جبران نماید؛ از این رو یادآوری این نکته ضروری است که مبانی و مستندات قاعده تسبیب در واقع همان مستندات و مدارک قاعده اتلاف است^۲ که در مطالب پیشین بدان پرداخته شد. بنابراین در این مجال به صورت گسترده بررسی نمی‌شود، بلکه تنها به چند مورد به عنوان نمونه اشاره خواهد شد.

یکی از موارد روایتی است که در پاسخ به سؤال حلبی از امام صادق (ع) آمده است، در آنجا که او از امام (ع) سؤال می‌کند، اگر کسی در مسیر شخصی چیزی قرار دهد که در نتیجه آن، مرکب وی در برخورد با آن رَم کند و سوارش را به زمین بکوبد، حکم قضیه چیست؟ امام در پاسخ فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ يَضُرُّ بِطَرِيقٍ فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ»^۳ یعنی هرآنچه که در راه مسلمانان قرار داده شود و به آنها زیان وارد نماید، صاحب آن، مسئول خسارت ناشی از آن خواهد بود. با توجه به روایت مزبور می‌توان گفت، اگر شخصی ولو با واسطه به مال و جان دیگران ضرر بزند، باید در برابر عمل خود، پاسخگو باشد و خسارات وارده را جبران کند. در این روایت ضرورت جبران خسارت مورد تأکید قرار گرفته است. گرچه روایت مزبور، ناظر به موردی است که دیگری با گذاشتن چیزی در مسیر مسلمانان باعث زیان می‌گردد، از آنجایی که بر پایه قواعد اصولی

۱. بند ۳ ماده ۱۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی.

۲. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه*، تهران: سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳.

۳. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، جلد ۱۹، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۱۸۱.

مورد نمی‌تواند منحصر حکم باشد، می‌توان گفت در جایی که شخصی باعث ورود خسارت ناروا گردد، مسئول خواهد بود.

پرواضح است برپایه این تحلیل، اگر از رهگذر عمل وکیل خسارتی به طرف دعوا، اعم از موکل یا دیگری، وارد شود، بر پایه این قاعده که با تکیه بر مبانی فقهی و عقلی قابل اثبات است،^۱ مسئول جبران خسارت خواهد بود؛ برای نمونه بر پایه مقررات و ضوابط بین‌المللی یکی از تکالیف وکیل رفتار صادقانه و توأم با حسن نیت است. بنابراین اگر با بی‌توجهی به این تکلیف سبب ایراد زیان شود، مسئول خواهد بود. بر پایه فقه احناف، اگر کسی باعث از بین رفتن مال دیگری شود، در صورتی که متعدی یا متعمد باشد، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.^۲ این امر در مورد وکیل نیز قابل تطبیق است؛ به این معنا که اگر وکیل بدون توجه به ضوابط حاکم بر وکالت اقدام نماید، به نوعی متعدی به شمار می‌رود؛ از این رو مسئول جبران خسارت خواهد بود.

۱.۶. قاعده اتلاف

بر پایه مبانی فقهی، یکی از قواعدی و ضوابطی که مسئولیت را در گستره مسئولیت مدنی توجیه می‌نماید، قاعده اتلاف است؛ به این معنا که از نظر فقه اسلامی یکی از موجبات مسئولیت مدنی، اتلاف است. بر پایه احادیث و منابع این قاعده، اتلاف زمانی محقق می‌شود که شخصی به صورت مستقیم و بدون واسطه باعث تلف مال دیگری گردد؛ این ادعا را می‌توان با توجه به مفهوم حدیثی که به نوعی مستند قاعده مزبور است، استنباط نمود؛ در آن حدیث آمده است: «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ»^۳ کسی که مالی دیگری را تلف می‌کند، نسبت به آن مسئول است؛ قاعده اتلاف به‌عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی در فقه اسلامی قابل طرح است.

بنابراین می‌توان از آن نسبت به مسئولیت مدنی وکیل بهره برد. اتلاف هم بر پایه مذهب امامیه و هم بر اساس فقه عامه مسئولیت را در پی می‌آورد؛ زیرا طبق دیدگاه فقهای اسلامی، تلف

۱. خمینی، شهید، سید مصطفی موسوی، *کتاب البیع*، جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۴۲۱.

۲. الزحیلی، محمد مصطفی، *القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة*، جلد ۱، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۲۰۰۶، ص ۵۶۸.

۳. نجفی، محمد حسن، پیشین، جلد ۳۷، ص ۶۰.

یا اتلاف مال مضمون ضمان آور است^۱ و تا زمانی که عدم مضمون مال غیر به اثبات نرسیده است، نمی‌توان به آن زیان وارد نمود. از آنجایی که این قاعده یکی از ضوابط و قواعد فقهی در گستره مسئولیت مدنی به صورت عام و مسئولیت مدنی وکیل به صورت خاص می‌باشد، ضروری است مستندات آن مورد بررسی قرار گیرد؛ از این رو در این مجال به صورت مختصر به مستندات آن پرداخته خواهد شد.

۱.۶.۱. قاعده اتلاف در آیات قرآن

دانشمندان فقه اسلامی با تمسک به آیات متعدد قرآنی از امکان اثبات قاعده اتلاف سخن به میان آورده‌اند. این امکان زمانی موجه و منطقی است که بر پایه منابع دینی و قرآنی، قرآن آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است؛ از این رو در بردارنده ضوابط و قواعدی است که با تکیه بدان‌ها می‌توان زندگی بشر را در ابعاد مختلف آن سامان بخشید؛ در این مجال به برخی آیات قرآنی که با تمسک به آن می‌توان قاعده اتلاف را اثبات نمود، پرداخته خواهد شد.

۱-۱. «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»؛^۲ یعنی کسی که بر شما تعدی کند، مثل همان تعدی را بر او روا دارید؛ بنابراین می‌توان گفت، آیه مورد نظر دارای اطلاق است. از این رو مال و نفس را شامل می‌شود. اما در باب جبران خسارت نسبت به اموال دوگونه رفتار خواهد شد؛ به این معنا که اگر مال مثلی باشد، باید مثل آن به عنوان خسارت دریافت گردد؛ اما اگر قیمی باشد، زیان‌رسان باید قیمت را پرداخت کند.^۳ در این آیه به نوعی هم اصل لزوم جبران خسارت مورد تأکید قرار گرفته و هم حدود آن مشخص شده است؛ به این معنا که زیان‌دیده حق ندارد بیش از زیان و خسارت وارده از زیان‌رسان مطالبه خسارت نماید.

بنابراین تعدی‌کننده نخست، تنها نسبت به خساراتی که از ناحیه فعل یا رفتار او وارد شده‌اند، مسئول است و دوم، حدود خسارت نیز به اندازه زیان وارده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در آیه مزبور به مطلق خسارت پرداخته شده و آن را مقید به نوعی خاصی آن نکرده است؛ بنابراین اگر کسی دیگری را متضرر سازد، مسئول جبران خسارت خواهد بود.

۱. أبو الفرج، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلی، *القواعد فی الفقه الإسلامی*، تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد، مدینه: مکتبه الکلیات الأزهریه، چاپ اول، ۱۹۷۱م، ص ۳۸.

۲. بقره/۱۹۴.

۳. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، پیشین، جلد ۲، ص ۲۶.

۱-۲. «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»^۱ یعنی جزای هر گناهی به اندازه همان گناه است؛ یعنی هر متجاوزی به اندازه تعدی و خسارتی که به دیگری وارد می‌آورد، مورد بازخواست قرار می‌گیرد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این آیه هم به لزوم پرداخت خسارت و جبران زیان اشاره شده است؛ به بیان دیگر، روش استدلال به این آیه مانند آیه پیشین است و اطلاق آن، مال، جان و منافع را شامل می‌شود، با این توضیح که سیئه در اینجا همواره به معنی مقابله‌به‌مثل و اتلاف مال نیست، بلکه بیشتر موارد آن به معنی اخذ مال و جبران آن است.^۲ بنابراین با تکیه به آیه مزبور می‌توان از لزوم جبران خسارتی که بر اثر اتلاف و تعدی دیگری به کسی وارد شده است، سخن به میان آورد.

۱.۶.۲. قاعده اتلاف در روایات

درباره جای نبودن تلف مال دیگران در مجامع روایی، روایات فراوانی وجود دارد که پرداختن به همه آنها در این مجال نمی‌گنجد؛ از این رو تنها به چند مورد بسنده می‌شود. عبد الله بن مسعود از نبی اکرم (ص) در زمینه آورده است: «حَرَمُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحَرَمِ دَمِهِ»^۳؛ یعنی مال مسلمان همانند خونس دارای حرمت است؛ یعنی همان‌گونه که بر پایه مبانی فقهی و روایی، کسی حق ندارد خون مسلمانان محقون‌الدم را بریزد و در صورت چنین اقدامی باید پاسخگو باشد، این سخن در مورد مال مسلمانان و انسان‌ها نیز وجود دارد؛ یعنی کسی حق ندارد به مال دیگری تجاوز و تعدی نماید و از این رهگذر خساراتی را متوجه او سازد که اگر چنین نماید، بر پایه این حدیث و بسیاری از احادیث دیگر که در اینجا مجال پردازش آنها نیست، باید نسبت به جبران خسارت اقدام نماید.

در حدیث دیگر از رسول خدا (ص) روایت شده است: «لَا يَأْخُذَنَّ أَحَدُكُمْ مَتَاعَ أَخِيهِ جَادًّا وَ لَاعِبًا، مَنْ أَخَذَ عَصَا أَخِيهِ فَلْيَرُدُّهَا»^۴؛ کسی نباید مال برادرش را بردارد؛ نه به صورت جدی، نه به

۱. شوری/۴۰.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهية*، جلد ۲، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، چاپ سوم، ۱۴۱۱ هـ ق، ص ۱۶۹.

۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة*، جلد ۳، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ ق، ص ۵۹.

۴. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، پیشین، جلد ۱، ص ۵.

صورت شوخی. هرکسی چوب‌دستی برادرش را بردارد باید آن را برگرداند. بنابراین بر پایه این حدیث نیز مال دارای احترام بوده، پیامبر از اتلاف آن منع کرده است؛ از این رو هرگاه کسی آن را از روی اراده و عمد یا به صورت غیرعمدی تلف نماید، باید جبران کند؛ البته باید در نظر داشت که گرچه در این احادیث بر لزوم جبران خسارت‌های ناروا تأکید شده است، نباید در مواردی که خود زیان دیده بر اثر تقصیر^۱ و با نادیده گرفتن قاعده تقلیل خسارت^۲، باعث زیان شده باشد، سخن از مسئولیت کامل زیان‌رسان گفت، بلکه بر پایه اصول و ضوابط فقهی و حقوقی باید مسئولیت او را کاهش داد.

۱.۶.۳. قاعده اتلاف در بنای عقلا

خردمندان عالم همگی بر این باورند که هرکسی مال دیگری را تلف نماید، چه عمدی باشد یا اشتباهی، باید آن را جبران کند. در این مورد همه عقلا و خردمندان عالم دیدگاه یگانه دارند؛^۳ به عبارت دیگر، همه خردمندان جهان، زیان‌رساندن ناروا را نکوهیده می‌دانند و خسارت‌رسان را مسئول جبران آن می‌انگارند؛ از آنجایی که یکی از مبانی استنباط‌های فقهی، سیره و بنای خردمندان جهان است،^۴ می‌توان گفت بر پایه دیدگاه فقه و حقوق، اگر از رهگذر رفتار وکیل اتلافی محقق شود، مسئول خواهد بود؛ به عبارت دیگر، بنای عقلا بدان معنا است که اگر عقلای عالم از آن نظر که عقلا است، چیزی را بپذیرد، شارع نیز از آنجایی که سرسلسله عقلای عالم است، آن را خواهد پذیرفت؛^۵ بنابراین اگر عقلا اتلاف مال غیر را عامل پدیداری مسئولیت انگارند، شارع نیز چنین حکم خواهد نمود.

۱. قاسم زاده، سیدمرتضی، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، ص ۴۲۰.
۲. فرخی‌نیا (فرخنده)، علی، *بررسی تقصیر زیان دیده در مسئولیت مدنی (با تحلیل آراء قضایی)*، فصلنامه نقد رأی، سال دوم، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۲، شماره ۲، ص ۱۱۷.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، جلد ۲، ص ۱۷۶.
۴. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، جلد ۸، ترجمه محمود صلواتی، و ابوالفضل شکوری، قم: مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ ق، ص ۳۹۵.
۵. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، *دیدگاه‌های نو در حقوق*، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ هـ ق، ص ۱۸۸.

۱.۶.۴. اجماع عامل توجیه کننده قاعده اتلاف

فقه‌های امامیه در اصل ضمان ناشی از اتلاف اجماع دارند؛ ولی بر پایه مبانی علم اصول از آنجایی که این نوع اجماع، مدرکی است، از نظر اجماع بودن دارای اعتبار و ارزش استنباطی نیست؛ بلکه چنین اجماعی بر پایه روایاتی که مستند آن می‌باشند، ارزیابی می‌گردد؛ یعنی اگر روایات اثبات کننده آن، دارای اعتبار باشند، چنین اجماعی نیز ارزش خواهد داشت؛ اما اگر چنین نباشد، اجماع مزبور دارای اعتبار نخواهد بود.^۱ اجماعی که از نظر مبانی اصول دارای اعتبار مستقل می‌باشد، گونه محصل آن است.

به هرروی، دلیل قاعده اتلاف، اجماع یا دلایل دیگر باشد، وجود چنین قاعده‌ای در میان قواعد فقهی پذیرفته شده است و اندیشه‌وران زیادی در مورد آن پژوهش کرده‌اند و آن را یکی از عوامل سه‌گانه پدیداری ضمان و مسئولیت می‌دانند. بر پایه مبانی فقهی و روایی، قاعده اتلاف رابطه بسیار نزدیک با مسئولیت و ضمان دارد.^۲ از آنجایی که مبانی قاعده مزبور آن را محدود به گستره خاص نکرده است و مطلق اتلاف را باعث مسئولیت انگاشته‌اند، در مسئولیت ناشی از رفتار وکیل نیز می‌توان گفت یکی از مبانی توجیه کننده لزوم جبران خسارت، همین قاعده خواهد بود. بنابراین اگر کسی بدون توجه به اصول و ضوابط حاکم بروکالت اقدام نماید و از این رهگذر خسارات مالی یا جانی متوجه دیگران سازد، مسئول خواهد بود.

۲. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی وکیل

افزون بر مبانی فقهی، مسئولیت مدنی وکیل را می‌توان با تمسک به مبانی حقوقی نیز توجیه نمود؛ چه بر پایه اصول مسئولیت مدنی کسی حق ندارد به دیگران زیان ناروا وارد نماید و باید رفتار توأم با احتیاط داشته باشد؛ از این رو در ماده ۱ ق.م.م ایران آمده است: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». بر پایه این ماده قانونی هرگونه اضرار به دیگران مسئولیت را در پی دارد. همان‌گونه که ملاحظه

۱. محقق داماد، سیدمصطفی، پیشین، جلد ۱، ص ۱۱۲.

۲. جمعی از نویسندگان، پیشین، جلد ۱۱-۱۲، ص ۲۴۵.

می‌شود، این ماده مطلق، و دارای شمول است. بنابراین اگر وکیل چنین خسارتی را به دیگری وارد نماید، مسئول خواهد بود. در این بخش تلاش می‌شود که مبانی این مسئولیت از منظر حقوق به بحث گرفته شوند.

۲.۱. نقش انگاره تقصیر در توجیه مسئولیت مدنی وکیل

بر پایه نظریه تقصیر، اگر کسی تنها بر اثر تقصیر خویش باعث زیان دیگری شود، مسئول است که خسارت مزبور را جبران نماید؛ بر پایه این نظریه، تنها کسی مسئولیت مدنی دارد که در اعمال و رفتار مرتکب تقصیر شده باشد، در غیر این صورت، نمی‌توان سخن از مسئولیت او به میان آورد؛ به بیان دیگر، بر پایه این انگاره، زمانی مسئولیت مدنی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که رابطه علیت بین تقصیر شخص و فعل زیان‌بار پدید آمده باشد، وگرنه جبران خسارت از سوی او ناموجه خواهد بود.

در این انگاره، مسئولیت بر پایه تقصیر امکان‌سنجی می‌شود؛ بنابراین اگر در نتیجه تقصیر شخصی به دیگری خسارت وارد شود، زیان‌رسان مسئول جبران خسارت خواهد بود. باورمندان به این انگاره، تلاش کرده‌اند ردای اخلاق را بر قامت مسئولیت مدنی بپوشانند و بیش از پیش میان حقوق و اخلاق آشتی پدید آورند.^۱ بر این پایه اظهار می‌دارند: «دلیل مسئولیت عامل زیان این است که او مرتکب تقصیر گردیده و فعل یا ترک فعل عمدی وی سبب ورود خسارت به دیگری شده است و براساس قواعد مسلم اخلاقی، عامل زیان مسئول است و باید خسارت وارده را جبران نماید.^۲ گفتنی است که معیار سنجش تقصیر در این انگاره، اخلاق است؛ بدین معنی که زیان‌رسان تنها در صورتی که رفتار مغایر با اخلاق انجام داده باشد، مسئول است.

براساس انگاره تقصیر، باید زیان‌دیده اثبات کند که عامل زیان در ورود ضرر به او تقصیر داشته است تا قادر به مطالبه جبران خسارت باشد؛ در غیر این صورت جبران خسارت، امر ناموجه و ناپذیرفتنی خواهد بود. درواقع بر مبنای انگاره تقصیر در مسئولیت مدنی، زیان‌دیده نقش مدعی را دارد؛^۳ از این رو باید تقصیر عامل زیان را اثبات نماید وگرنه دادخواهی او ره به جایی نمی‌برد.

۱. حکمت نیا، محمود، پیشین، ص ۲۶۲.

۲. قاسمی، عبدالخالق، *مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد*، کابل: دانشگاه کاتب، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۸۸.

۳. کاتوزیان، ناصر، *وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۶۸.

دلیل پیروان انگاره تقصیر، مبنای اخلاقی آن است؛ یعنی شخص آنگاه محکوم است که از لحاظ اخلاقی کاری مذموم انجام داده باشد، وگرنه در صورتی که رفتار شخص، خلاف اخلاق نباشد، نمی‌توان او را ملزم به جبران خسارت کرد. پلنیول می‌گوید: «هرجا که مسئولیت بی تقصیر پذیرفته می‌شود، یک بی‌عدالتی اجتماعی رخ می‌دهد؛ این حکم در حقوق مدنی همانند این است که در حقوق کیفری بی‌گناهی مجازات شود»^۱.

باتوجه به مطالب پیشین می‌توان گفت اگر در نتیجه تقصیر وکیل یا هر شخصی دیگری، زبانی متوجه دیگران شود، ملزم به جبران خسارت خواهند بود. بنابراین اگر کسی با نقض تکالیف احتیاطی و اصول رفتار متعارف خسارتی را متوجه دیگران نماید، مسئول زیان‌های پدیدآمده خواهد بود.

گفتنی است که در مسئولیت مدنی وکیل، نقش انگاره تقصیر پررنگ است؛ به گونه‌ای که در مواردی، تقصیر عامل زیان علاوه بر مسئولیت‌های مدنی، مسئولیت‌های کیفری را نیز به وجود می‌آورد؛ برای نمونه در ماده ۸۰ آئین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری آمده است: «در صورتی که واسطه وکالت از اسرار مطلع شده و آن را افشا نماید، اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد»، در این گونه موارد وکیل به مجازات درجه انتظامی درجه ۵ محکوم می‌شود. پرواضح است که در صورت اضرار و زیان موکل بر پایه مبانی مسئولیت مدنی می‌تواند جبران آن را مطالبه نماید؛ چه در این صورت وکیل خلاف رفتار متعارف اقدام نموده است که به نوعی پدیدآورنده مفهوم تقصیر است. در اسناد بین‌المللی نیز از محرمانه‌بودن ارتباط وکیل و موکل سخن رفته است^۲ که بی‌شک بر پایه اصول مسئولیت مدنی زیان وارده قابل جبران خواهد بود. از دیگر سو، در ماده ۳۳ قانون وکالت، وکیل موظف شده است که استعفای خود را در زمان مناسب به اطلاع موکل و دادگاه برساند؛ بنابراین اگر او چنین اقدامی ننماید و رهگذر آن به دیگران خسارتی وارد شود، بر پایه دیدگاه تقصیر می‌توان سخن از مسئولیت برای جبران خسارت به میان آورد.

۱. همان.

۲. اصل ۲۲ اصول بنیادین نقش وکلا.

۲.۲. نقش انگاره خطر در توجیه مسئولیت مدنی وکیل

انگاره خطر بدان معنا است که اگر کسی خطری را پدید آورد و شخص یا اشخاصی متضرر شوند، مسئول خواهد بود؛ برای نمونه، کسی برای رسیدن به سود فراوانی اقدام به فعالیتی نماید یا محیطی خطرناک ایجاد کند و در نتیجه آن اگر شخص یا اشخاص زیان‌بار شوند، عامل زیان باید به جبران خسارت زیان دیده ملزم گردد؛ برای نمونه، اگر کسی بدون توجه به اصول بهداشتی و درمانی در اجتماع حاضر شود، این اقدامش خطرناک بوده، موجب مسئولیت خواهد بود؛ بنابراین اگر کسی با انجام چنین اقدامات خطرناک، دیگری مبتلا به این بیماری نماید، بر پایه نظر خطر، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود.

باید توجه داشت اقدام خطرناک یک مفهوم سیال و انعطاف‌پذیر است؛ بنابراین در فرایند دادرسی نیز می‌توان برخی رفتارهایی را تصور نمود که مصداق عمل و اقدام خطرناک باشند؛ برای نمونه اگر وکیل با طرف دیگر تبانی نماید یا با حيله و نیرنگ وکالت را عهده‌دار شود، به نوعی عمل خطرناک را مرتکب شده است؛ به این ترتیب که در صورت تبانی، عملش نسبت به موکل خطرناک است و ممکن است او را با مشکلات و احکام سختی مواجه نماید و در صورت دوم و سوم عملش نسبت به موکل و نظام قضایی خطرناک است. بنابراین بر پایه انگاره مزبور می‌توان سخن از مسئولیت او به میان آورد.

گرچه انگاره خطر به‌عنوان یکی از تئوری‌های توجیه‌کننده مسئولیت مدنی در بسیاری از نظام حقوقی مطرح است،^۱ با سپری شدن زمان این دیدگاه نیز مورد نقد و انتقاداتی قرار گرفت و با اشکالاتی روبه‌رو شد که نقدهای مزبور به نوعی انگاره خطر را متزلزل ساخت؛ منتقدان این دیدگاه بر این باورند که طرح انگاره خطر به‌جای نظریه تقصیر، فرایند دادرسی را نه تنها تسهیل نمی‌سازد که پیچیدگی آن را چند برابر می‌کند؛ زیرا در نظریه تقصیر، قاضی و عوامل دخیل در پرونده حقوقی تنها درصدد اثبات تقصیر عامل زیان می‌باشند، این درحالی است که در نظریه خطر باید همه اسباب و عوامل دخیل در بروز خسارت، مورد بررسی قرار گیرند که این امر یکی از عوامل اطاله دادرسی و بغرنجی آن خواهد شد. بنابراین نمی‌توان گفت که اجرای نظریه خطر، موجب سهولت در امر دادرسی می‌گردد.

۱. قاسم‌زاده، سیدمرتضی، پیشین، ص ۳۲۸.

از دیگر سو، طرف‌داران نظریه خطر معتقدند که انجام‌دهنده اقدام خطرناک، سود و نفع قابل توجهی را به دست می‌آورند؛ از این رو باید خسارات وارده را نیز جبران نمایند. مخالفان نظریه مزبور در مقام دفاع از انتقادات خودشان بر این مسئله اصرار می‌ورزند که هرکسی برای نیل به سود و نفعی اقدام می‌کند؛ بنابراین هرکسی که در پی سود است، باید ملزم به جبران خسارت دیگری باشد؛^۱ برای نمونه، کسی در گستره فعالیت اقتصادی فعالیت می‌کند و ممکن است از رهگذر فعالیت او به دیگری خسارتی وارد شود، آیا او مسئول جبران زیان مزبور خواهد بود. پرواضح است که هیچ حقوق‌دان و قاضی چنین حکم نخواهد داد؛ زیرا در این صورت هیچ کسی اقدام به فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی نخواهد کرد که این چیزی جز رکود و رخوت را در پی نخواهد داشت. افزون بر آن در مواردی، ممکن است فردی فعالیت انجام دهد، اما سودی به دست نیاورد، بلکه ممکن است متضرر گردد، در این صورت بر پایه نظریه مزبور باید خسارت طرف مقابل را پرداخت نماید که این مورد با عدالت و انصاف ناهمساز است.

این مسئله را درباره مسئولیت مدنی وکیل نیز می‌توان به میان آورد و مورد انتقاد قرار داد؛ به این معنا که اگر مبنای مسئولیت مدنی نظریه خطر باشد که بر پایه آن زیان دیده بدان دلیل که از رهگذر ایراد زیان، سود می‌برد، مسئول است، در بسیاری از مواردی که طرف با بی‌توجهی به اصول رفتار متعارف و ضوابط وکالت باعث ایراد زیان می‌شود، سودی متوجه او نمی‌گردد و در نتیجه نباید مسئولیت داشته باشد؛ این درحالی است که چنین تلقی با عدالت و اصول مسئولیت مدنی که بر لزوم جبران خسارت به صورت مطلق تأکید می‌کنند، ناسازگار است.

۲.۳. نقش انگاره تضمین حق در توجیه مسئولیت مدنی وکیل

این نظریه که از سوی «بوریس استارک»، دانشمند فرانسوی، مطرح شد، در پی آن است که به جای تکیه بر مقصر جلوه‌دادن عامل زیان یا بررسی خطرهایی که با عملش انجام داده است، خسارت‌های وارده را جبران نماید و از این رهگذر حق از دست‌رفته زیان‌دیده را تضمین نماید. از دیدگاه این اندیشه‌ورز حقوقی، آسایش و رفاه، از جمله موضوعاتی است که ذهن هر بشری را درگیر خود ساخته، تلاشش را جهت می‌دهد. ضروری است که حقوق بنیادین اشخاص از سوی

۱. لور راسا، میشل، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۴۴.

نظام‌های حقوقی تضمین شوند تا هرکسی بدان دست نیازد. بنابراین بر قانون‌گذار است که در مقام تقنین قوانین از حقوق مزبور دفاع نموده، در صورت تضییع آنها، زمینه‌های جبران را فراهم کند.^۱ به بیان دیگر، انگاره تضمین حق بدان معنا است که مال و جان انسان‌ها در گستره زندگی اجتماعی و فردی مورد احترام است و در صورتی که مورد تعرض یا تعدی قرار گیرد، حمایت خواهد شد. پرواضح است که جامعه مدنی بر پایه تضمین اجتماعی بنا شده که در آن، مسئولیت و مراقبت از حقوق دیگران دارای گستره فراگیرتری است.^۲ بنابراین بر پایه این انگاره هرکسی حق دارد به صورت آزادانه از حقوق خود بهره ببرد. این آزادی به اندازه‌ای است که حتی اگر استیفای حق همراه با ایراد زیان به دیگران باشد، صاحب حق مسئولیتی نخواهد داشت.^۳ باوجوداین، اگر او قادر است حق خود را به‌گونه‌ای استیفا نماید که ضرری متوجه دیگران نشود، ملزم است که احتیاط‌های لازم را رعایت کند.^۴ بنابراین اگر بر اثر بی‌توجهی و پایبندنبودن او به رفتار متعارف و منطقی به دیگری خسارتی وارد شود، مسئول جبران خساراتی است که از رهگذر اقدامش به دیگران وارد آمده باشد.

یکی از فلاسفه حق برخورداری از وکیل در فرایند دادرسی، پاسداری از حقوق متهم و شهروندان است.^۵ به این معنا که قانون‌گذاران با شناسایی این حق در واقع به نوعی حاکمیت نظام دادرسی عادلانه را که از دغدغه‌های نهادهای حقوقی بشری است، تسهیل می‌کنند. حال اگر وکیل با رفتار و کنش‌های خود این هدف را مخدوش سازد و باعث تضییع حق موکل و دیگران شود، مسئول جبران خسارت خواهد بود. در بند ۳ ماده ۱۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی آمده است: «وکیل باید با احترام کامل به محرمانه‌بودن ارتباطات با متهم ارتباط برقرار نماید»؛ در این ماده هم اصل حق محرمانه‌بودن ارتباط به نوعی تضمین شده است که بی‌درنگ

۱. قاسم زاده، سید مرتضی، پیشین، ص ۱۷۵.

۲. صالحی، محمود، *حقوق زیان دیدگان در حوادث رانندگی و نظام تأمین خسارتها*، پژوهش‌نامه بیمه، ۱۳۷۰، شماره ۲۴، ص ۱۸.

۳. عباسلو، بختیار، *مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۷.

۴. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۹۷.

۵. خداخواه، نسیم، *نقش وکیل در دفاع از حقوق شهروندی*، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره سوم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۰، ص ۳۵۴.

نقض آن مسئولیت را در پی خواهد آورد. این حق از سوی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^۱ قطعنامه کمیسیون آفریقایی برای حقوق بشر و ملت‌ها^۲ نیز به این حق اذعان نموده‌اند. بنابراین اگر وکیل اسرار موکل را افشا نماید و از رهگذر آن به موکل یا دیگران زیانی وارد شود، طبق انگاره تضمین حق می‌توان مطالبه خسارت را توجیه نمود.

۲.۴. نقش انگاره استناد عرفی در توجیه مسئولیت مدنی وکیل

براساس این انگاره، مبانی مسئولیت مدنی به صورت عام و مسئولیت مدنی وکیل به صورت خاص، استناد عرفی فعل زیان بار به عامل زیان است؛ به این معنا که بر پایه این دیدگاه، معیار مسئولیت مدنی، وجود رابط سببیت و رابط عرفی میان عمل زیان بار و عامل زیان است؛ بنابراین اگر ثابت شود که چنین ارتباط وجود دارد، فاعل زیان مسئول خواهد بود؛ برای نمونه اگر ثابت شود که زیان بر اثر پایبندی نبود به اصول و ضوابط حاکم بر وکالت، انجام شده است، در این صورت، شخص زیان‌رسان پاسخ‌گوی خساراتی باشد که از رهگذر عملش متوجه دیگری شده است، در اثبات مسئولیت میان عمدی بودن یا نبودن فعل هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت، بلکه در هر صورت عامل زیان مسئول است. بنابراین اگر کسی بر اثر رویداد خارج از اختیارش، مانند تصادف و غیره، باعث زیان دیگری شود و از نظر عرف اضرار به او منتسب باشد، مسئول خواهد بود. این مسئولیت حتی نسبت به کسانی که قصد و اراده در مورد آن تصور نمی‌شود؛ مانند صغیر و مجنون نیز در صورتی که فعل زیان‌بار انجام دهند و چنین رابطه‌ای میان فعل آنها و خسارت وارده برقرار باشد، قابل‌تصور است؛ چه، در این مورد از نظر عرف ضرر به آنها منتسب می‌باشد. این حکم در واقع بر پایه اصل عقلایی که هر انسانی را مسئول اعمال و اقدامات خودش می‌داند، است.^۳

دیدگاه استناد عرفی نیز می‌تواند در پدیداری مسئولیت وکیل دادگستری کارآمد باشد؛ به این معنا که اگر بر اثر تقصیر یا قصور عمل موکل زیان‌آور باشد، در صورتی که از نظر عرف زیان ناشی از عمل او به شمار رود، مسئول جبران خسارت خواهد بود. برای نمونه اگر لایحه‌ای

۱. بند ۲ ماده ۸.

۲. پارگراف ۲.

۳. باریکلو، علیرضا، *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۷، ص ۵۲.

تدوین شده به گونه‌ای باشد که باعث اصدار حکم به ضرر موکل شود و عرفاً این مسئله به نحوه نگارش لایحه استناد داده شود، می‌توان گفت، در این صورت وکیل مسئولیت خواهد داشت. البته ناگفته پیداست که انگاره استناد عرفی همواره نمی‌تواند به عنوان یک دیدگاه مستقل مطرح شود؛ بلکه در بسیاری موارد به نوعی با دیدگاه‌های دیگر تداخل دارد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش بر آن بود که مبنای مسئولیت مدنی وکیل از منظر فقه اسلامی و حقوق مورد بررسی قرار گیرد. گرچه فقهای اسلامی این موضوع را به صورت مفصل مورد بررسی قرار نداده‌اند، با تمسک به قواعد کلی حاکم بر ضمان می‌توان مسئولیت مدنی وکیل را توجیه نمود؛ برای نمونه، قواعدی مانند لاضرر که هرگونه ایراد ضرر و زیان را نفی می‌کند، قاعده احترام، اتلاف و تسبیب و غیره، هرکدام به نوعی از لزوم جبران زیان سخن می‌گویند. گرچه این قواعد، ضوابط کلی را در بحث ضمان و مسئولیت مدنی مطرح می‌نمایند، در مقام تطبیق می‌توان سخن از مسئولیت وکیلی که با رفتار نامتعارف و خلاف حسن نیت به دیگری زیان وارد می‌سازد، به میان آورد و او را ملزم به جبران خسارت دانست. از منظر حقوق هم مقررات و دکترین حقوقی، مسئولیت عامل زیان به صورت عام و مسئولیت مدنی وکیل را به صورت خاص موجه می‌سازد؛ زیرا بر پایه مقررات قانونی و اصول مسئولیت مدنی، اشخاص مجاز به ایراد زیان ناروا نمی‌باشند. بر پایه مقررات قانونی وکیل نیز ملزم است که در چارچوب ضوابط و اصول حاکم بر وکالت عمل نماید و اگر چنین ضوابطی را نادیده انگارد و از رهگذر آن به دیگری زیانی وارد آید، مسئول خواهد بود. بر این پایه، مبانی عام مسئولیت مدنی که عبارت از انگاره تقصیر، خطر، تضمین حق و استناد عرفی است، اثبات‌کننده مسئولیت وکیل می‌باشند.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲. باریکلو، علی رضا، *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۷.
۳. بهرامی احمدی، حمید، *قواعد فقه*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۴. جمعی از مؤلفان، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام* (فارسی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۳ ه.ق.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، جلد ۱۲، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۶. حکمت نیا، محمود، *مسئولیت مدنی در فقه امامیه؛ مبانی؛ ساختارها*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۷. عباسلو، بختیار، *مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۸. قاسم زاده، سیدمرتضی، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
۹. قاسمی، عبدالخالق، *مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد*، کابل: دانشگاه کاتب، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، *وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۱. لور راسا، میشل، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتري، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۲. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه*، تهران: سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.

۱۳. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، **دیدگاه‌های نو در حقوق**، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ه.ق.

۱۴. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، ترجمه محمود صلواتی و ابو ال شکوری، قم: مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.

مقاله

۱۵. خداخواه، نسیم، **نقش وکیل در دفاع از حقوق شهروندی**، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره سوم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۰.

۱۶. صالحی، محمود، **حقوق زیان دیدگان در حوادث رانندگی و نظام تأمین خسارت‌ها**، پژوهش‌نامه بیمه، ۱۳۷۰، شماره ۲۴.

۱۷. فرخی نیا (فرخنده)، علی، **بررسی تقصیر زیان دیده در مسئولیت مدنی** (با تحلیل آراء قضایی)، فصلنامه نقد رأی، سال دوم، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۲، شماره ۲.

قوانین و کنوانسیون‌ها

۱۸. قانون وکالت ایران.

۱۹. قانون مسئولیت مدنی ایران.

۲۰. لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ایران.

۲۱. اصول بینادین نقش وکلا.

۲۲. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی.

۲۳. کنوانسیون آفریقا برای حقوق بشر و ملت‌ها.

ب) منابع عربی

کتاب

۲۴. أبو الفرج، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلی، **القواعد فی الفقه الإسلامی**، تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد، مدینه: مکتبه الکلیات الأزهریه، چاپ اول، ۱۹۷۱ م.

۲۵. انصاری، شیخ مرتضی، **رسائل فقهیه**، قم: المؤتمر المئوی للشیخ الاعظم الانصاری، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۶. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، **قواعد فقهیه**، تهران: مؤسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ه.ق.
۲۷. بحرانی، محمد سند، **أسس النظام السیاسی عند الإمامیة**، قم: مکتبه فدک، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۸. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **تذکره الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۹. خمینی، شهید، سید مصطفی موسوی، **کتاب البیع** (للسید مصطفی الخمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
۳۰. الزحیلی، د. محمد مصطفی، **القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة**، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۲۰۰۶.
۳۱. الزرکشی، أبو عبد الله بدر الدین محمد بن عبد الله بن بهادر، **المنثور فی القواعد الفقهیة**، الكويت: وزارة الأوقاف الكويتیة، چاپ دوم، ۱۹۸۵ م.
۳۲. سبزواری، سید عبدالأعلى، **مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام**، مصحح: مؤسسه المنار، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۳. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن، **کفایة الأحكام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ ه.ق.
۳۴. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **المبسوط فی فقه الإمامیة**، تهران: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ه.ق.
۳۵. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۳۶. عبد الغفار، محمد حسن، **القواعد الفقهیة بین الأصالة والتوجيه**، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.

۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه* (لمکارم)، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ه.ق.

۳۸. نجفی، حسن، *جواهرالکلام فی سرائع الإسلام*، بیروت: لبنان، دارالإحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م.